

پیام استادان

جوانان ایران فرزندان مهن و نوپایان وطن مبارزان ایستادان جوانان دهر آن
 دلبران دانشجو و دانش آروز نورچینان و مهران من استیکاران نو فرامردید و باطنی
 صبح نمیند آینه نخستین مادر لوطب انگیز آرزو بکجه زینا و مصوم کردن و بیست فی
 روشن و سنگو جوانان صادقانه بختی مرنده و طلعت فضالت کمر خیز و در یک خود را
 آغازه شکوه و مارا ک درختن و بار کردن و اسیر و ارباب دولت بختی مرنده
 در اجماع مقام کمال جوانی از سر میگرد یاد جوانان کورتر در خاطر و نفس
 ممانند و جوان مهربان که خوشنما نه توانان مهن و ذوق آن و لیران عزیز و گام کار وطن
 بقدیم سال نور و در خطی کرام و در اضطراب بیکدیگر سار با بر میگویند و در گامان گرم و
 بر محبت خانواده جوئی و در آرزوی با مهر و محبت بیدار و مادر خود عهد و روز را احسن میگرد
 و شاد و شیکته می ناست شاد و مکر و رسوم و از صمیم قلب به پیشگاه راد مردان دبیر
 دوستایکجه با پیشایر و فرزند صبح عزیز را بگهانه و با پادشاه نموده لر تعظیم و کرام
 فرود میآورم.

جوانان ایران! شکرانه استی در کستانه سال ۱۳۰۱ از لغت مردم در در زب
 و سنگند که در بند چینی در عرنه و لوگوار هسته و طغه داره که پیش ازین در با حفظ
 صبح و دفع جنگ ساسی و گوشت باشد و یک کلمه از امر ادای تمام انو طغه عالی و عدس غائن

بسیار در میگویند که خفاش را مع فصاحت مع معنی و ملازمه مع لانه و در ستاد زنی شود است گلهای
 و با بدار صغیر از شهر سلب نمکنند .
 مکن دست گمکن خفاش و نمفت با کو مکن خط فزونی با جان مملو آماران
 و دیدار با خفاش بنیاد و کودکان موصوفه و گلهای آم بود در آن صورت حوانات مثل خوانند
 و در بیگانه قصارت تاریخ عذر از کسی بید برفته نکرده است .

||

حوانات!

در دزدانگری در بر سنان در بار خانه و در زخم در مار گاه او در معان (در جا
 بسته در بار مضمونه در پرورام و عقیده است که در بار را اوقا صغیر در م جم گوید و با و حد
 و هم آتش مگدل و گزنان مار صغیر را در دست گیرند و بجزایسه و نگذارند که بوم صغیر
 آستینه با سینه انگه و درنگ صغیر در تیر مار را بخواهند آرد .

||

حوانات!

محافظة و دولتت مادران پروردگان عمل کرده گردید برستی دعایت اطفال بی بنیاد صغیر
 پرورد عهده تا وضع امه میمان کسوست .

هم اکنون می پرورد و ای تاریخ از آرزوی آه
 رایس کور صغیر و از ادب و سعادت در این کور عقیدت و درنگ و دولت از صغیر پرورد شود مال
 آرزوی رسا بشهر خواجه رسیده و کام جانان شیرین خواجه شده و اگر آتش صغیر در کرد است نخست
 طغیان تا بند و کوب خواننده

|||

پس برای دگر روشی کرد و فرودنده آن کرد امه بخش راست بر آینه و با بر منزل موصوفه
 بر بنیاد از این نشسته .

باید در وقت فرغی مبادید کرد
 گفت او فزاد در کمال دکنه رسالت بشر از هر چیز دشمن افراد جوان و انکار خواننده و جوانان
 در منزل در وقت بن را خار را خوشتر شمرده و مانع احوال معاصد فائزانه و ضیافت بارانه خود
 میماند از آنکه آنرا نیک بنده است و خوب شخص را بهانه آنرا اگر لب لونه رسم بخواند کرد و چون
 معوب گزیده بجهت دوزخ است خواننده است

باید راه غلبه آنرا از هر طرف سد کرد و صد بار آنرا دفعه نایزای آن را افکند و در ملا
 کند و معاصد شیطانی آنرا در بر لیک که بسته شدت و سوا کرد
 تنها در بر تو صلح و در بنای امنی و رفا غلبه بر دشمن و طرد دفع بد عنوان دستبندان

و ضیافت بیگانه امکان ندارد
 بهمان جهت باید صفا صغیر فصل گمانه به از آنکه آن عضو جوانان باشد و بدین
 نسبت است که من از آن جوانان غیر مفیدان گمان فزاینده میگم که در کار (صغیر) بشر

بگویند و بر این نام از ضم آنرا به ریاضه و بایستد بیشتر و اما با عشق که در نفسی دانسته کار کرد
 و ذوق و ایثار است «صغیر» را باید در و با بسیاری نیکه دهر ترستی که معصوم و بیار
 رسیده که ممکن است با مکتب نوبان لفظ و بیان با سوزنتر یا بزرگ و تقاضای برسد روزانه

و صمد و از طریق شایسته درجه و بار بباد آنرا و انگش سنگ و دوزخ را چون هم وقت
 و صغیر یا فر «صغیر» بگویند و فر صغیر نشود
 جوانان ایران و امرائش جوان سال ۱۳۳۱ را با صغیر آغاز میکنند و باید در

صغیر بیان رسیده

صلوات
بر ائمه

سال ۱۳۳۰ را با بزرگان شرف گذاریم و با اسرار به آفرینانیم و احسان را که بعد از شرف
نمائیم باید به هر روز ختم کنیم.

بفعلت مادران راه کتابت با فاضل شهریه فاضل شهریه
و غیر آن به نفعیت مانتر قطع شود و غیره خواهد بود
دوران دوران فرزندان خود در آن است و وضع
مادران و دیگران و در آن است و آن هم بعد از آن است و در آن
و گردان نگاه معصومه مثل سوسن

سپس بگویند مادران هر روزی صلح حاجه نیکبخت و آنقدر بگویند
هر روز با صلح و سلام و درود بر صلح طلبان و ارادگزاران

ملک الشراة

ص ۱۱